



مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان

مقاله تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

مدرسه علمیه: زهراى اطهر عليها السلام

شهرستان: مشهد

عنوان:

پژوهشی پیرامون سوره‌ی

مبارکه‌ی «القارعه»

استاد راهنما

سرکار خانم زهرا طیب زاده

استاد داور

محقق

فاطمه عابدین زاده

تاریخ دفاع

زمستان ۹۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده

تحقیق پیش رو با عنوان «پژوهشی پیرامون سوره‌ی مبارکه‌ی القارعه» است، که تلاش شده با استفاده از تفاسیر گوناگون، به نکات تفسیری و اخلاقی آن پرداخته شود. ساختار کلی سوره در رابطه با قیامت می‌باشد، که حول سه محور بحث می‌کند: محور اول درباره‌ی قیامت و نشانه‌های آن، محور دوم درباره‌ی سبکی و سنگینی میزان اعمال و محور سوم درباره‌ی جایگاه افراد در بهشت و جهنم و عوامل ورود به آن. بیش‌ترین منبع مورد استفاده در این پژوهش کتب تفسیری و روایی می‌باشد، که از لغت نامه هم به حسب نیاز استفاده شده است. کلید واژه: قیامت، القارعه، میزان، هاویه

فهرست مطالب

صفحات	عناوین
۱.....	مقدمه.....
۲.....	معرفی سوره.....
۲.....	فضیلت سوره.....
۲.....	بررسی قیامت در سه آیهی اول.....
۳.....	رخدادهای قیامت.....
۳.....	صفات قیامت در سورهی القارعه.....
۴.....	بررسی میزان در دو آیهی اول سورهی القارعه.....
۴.....	منظور از میزان چیست؟.....
۵.....	عوامل سنگین کنندهی میزان.....
۵.....	بهشت و جهنم.....
۵.....	عوامل ورود به بهشت.....
۶.....	نعمت‌ها و لذت‌های جسمی و روحانی بهشتیان.....
۶.....	عوامل ورود به جهنم.....
۶.....	عذاب‌های روحانی و جسمانی جهنمیان.....
۷.....	نتیجه‌گیری.....
۸.....	پیشنهادهای.....
۹.....	پی نوشت.....

مقدمه

قرآن کریم اقیانوس بی‌کرانی است، که درّ و گوهر الفاظش با هنرمندی بی‌نظیر پروردگار حکیم، و با زیباترین آهنگ‌ها و موزون‌ترین آرایش و چینش خلق شده است، و هر کس به قدر توفیقی که نصیبش شود، مشتاق می‌گردد، و به سیر در آیات سراسر نور و زیبایی می‌پردازد. اما مهم این جاست که ذهن پرسش‌گر یک مسلمان آگاه، به مرورگذاری آیات بسنده نمی‌کند، و پیوسته به دنبال کشف روابط بیش‌تری در آیات قرآن است. به همین منظور می‌خواهیم روابط آیات سوره‌ی مبارکه‌ی القارعه را با یکدیگر پیدا کنیم، و با کشف موضوعات مهم و اساسی آن به غرض اصلی‌اش پی ببریم، تا بتوانیم راحت‌تر با این سوره مأنوس شویم. در این سوره معیار اصلی و مورد بحث، مسئله‌ی قیامت است که در ابتدا تلاش شده به این مسئله از جوانب روایی و تفسیری بپردازیم، تا موضوع قابل بحث شفاف‌تر شود. دنباله‌ی آیه بحث از دو مورد از اوصاف و نشانه‌های قیامت، یعنی پراکنده شدن انسان‌ها و متلاشی شدن کوه‌ها سخن گفته می‌شود، و در ادامه به مسئله‌ی مهم «میزان» پرداخته می‌شود، که به دیدگاه‌های مختلف درباره‌ی میزان و بررسی معنای لغوی و اصطلاحی و کاربرد آن می‌پردازیم.

میزان وسیله سنجشی که با یک معیار که در روایات امیرالمومنین علیه السلام و ائمه‌ی اطهار علیهم السلام هستند، اعمال ما را مورد سنجش و اهمیت قرار می‌دهند، که در این شرایط اعمال بعضی سبک و بی‌ارزش و اعمال بعضی سنگین و با ارزش است، که اجر و پاداش، و یا بالعکس جزای هر کس با توجه به همین میزان داده می‌شود.

اجر افرادی که دارای میزان اعمال سنگین و با ارزش هستند، بهشت و زندگی رضایت‌بخش قیامت، و جزای افرادی که دارای میزان اعمال سبک و بی‌ارزش هستند، آتش داغ و سوزان قیامت است که از آن به «هامیه» نام برده شده است. این چنین است که هر کس نتیجه‌ی اعمال خود در دنیا را خواهد دید.

معرفی سوره

سوره‌ی قارعه صد و یکمین سوره‌ی قرآن کریم، مکی است و یازده آیه دارد، و سی و شش کلمه و صد و پنجاه حرف.^۱

به ترتیب نزول، بیست و نهمین سوره است، که بعد از سوره‌ی «قریش» و قبل از سوره‌ی «قیامت» نازل شده است.

محتوای سوره:

• معاد و مقدمات آن

• تعبیراتی کوبنده و بیانی تکان دهنده، و انذار و هشدارهایی صریح و روشن (کوبنده‌ی دل‌ها با ترس و وحشت، و کوبنده‌ی دشمنان خدا با عذاب)

• تقسیم انسان‌ها به دو گروه، گروهی که اعمالشان در میزان عدل الهی سنگین است و پاداششان زندگی رضایت‌بخش در جوار رحمت حق، و گروه دیگر که اعمالشان سبک و کم وزن است و سرنوشتشان آتش داغ و سوزان جهنم است.

فضیلت سوره

کسی که سوره‌ی مبارکه‌ی قارعه را بخواند، خداوند او را از فتنه‌ی دجال و جان و ایمان آوردن به او حفظ می‌کند، و او را در قیامت از چرک جهنم دور می‌کند.^۲

در آثار و برکات سوره‌ی مبارکه‌ی القارعه آمده است، که هر کس آن را بنویسد و همراه نیازمندی قرار دهد، خداوند در کار او آسانی و گشایش قرار می‌دهد.^۳

یا به جهت برآورده شدن هر حاجتی ۱۸۰ بار این سوره را بخواند، مفید است، و اگر معیشت بر او تنگ باشد، بنویسد و با خود همراه داشته باشد.^۴

بررسی قیامت در سه آیه‌ی اول

﴿الْحَاقَّةُ ۝ مَا الْحَاقَّةُ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ ۝﴾^۵

در این آیات که در وصف قیامت است، نخست می‌فرماید:

آن حادثه‌ی کوبنده (۱)

چه حادثه‌ی کوبنده‌ای است؟ (۲)

و تو چه می‌دانی که حادثه‌ی کوبنده چیست؟ (۳)^۶

قارعه از ماده‌ی (قرع)، (بر وزن فرع) به معنی کوبیدن چیزی بر چیزی است، به گونه‌ای که صدای شدید از آن بر خیزد. این سوره تهدید به عذاب قیامت و بشارت به ثواب آن است، ولی جانب تهدیدش بر بشارتش می‌چربد.^۷

رخدادهای قیامت

زنده شدن انسان‌ها، حساب‌رسی، سؤال‌های قیامت، رستاخیز حیوانات، نامه‌ی عمل، پل صراط.^۸

صفات قیامت در سوره‌ی القارعه

﴿يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ * وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ﴾^۹

«روزی که مردم مانند پروانه‌های پراکنده به هر سو می‌دوند* و کوه‌ها مانند پشم رنگین حلاجی شده می‌گردد».

فراش: جمع (فراشه) بسیاری آن را به معنای (پروانه) می‌دانند. بعضی نیز آن را به معنی (ملخ) تفسیر کرده‌اند، وگرنه معنی لغوی آن همان پروانه است.^{۱۰}

یوم: قیامت؛ مدت زمانی است که با نفخه‌ی صور اول شروع، و با داوری در میان مردم پایان می‌گیرد. یوم در بسیاری از موارد به معنای شبانه روز معمول نیست.^{۱۱}

تشبیه به پروانه به خاطر آن است، که پروانه‌ها معمولاً خود را دیوانه‌وار به آتش می‌افکنند و می‌سوزانند؛ بدکاران نیز خود را در آتش جهنم می‌افکنند. این احتمال نیز وجود دارد که تشبیه به پروانه، اشاره به حیرت و سرگردانی خاصی است که در آن روز بر همه‌ی انسان‌ها مستولی می‌شود.^{۱۲}

این وقایع ﴿يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ... يَوْمَ تَكُونُ الْجِبَالُ...﴾ تفصیل و نموداری از قارعه و آثار آن است که قرآن حوادث آینده و تحولات بزرگ جهانی را با عباراتی کوتاه اعلام می‌نماید، و یا با استفهام انکاری «و ما ادراک...» تذکر می‌دهد، که فهم و درک حقیقت و چگونگی آن در اندیشه‌های متعارف در نمی‌آیند.^{۱۳}

بررسی میزان در دو آیه‌ی اول سوره‌ی القارعه

﴿فَأَمَّا مَنْ ثَقَلَتْ مَوَازِينُهُ * فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ﴾^{۱۴}

«و اما آن که گران باشد ترازویش * پس او در زندگی رضایت‌بخش خواهد بود.»

ثقلت: یعنی سنگینی. اصل آن در اجسام است و در معانی نیز می‌آید.^{۱۵}

موازن: جمع میزان، در لغت به وسیله‌ی سنجش اشیاء میزان گویند، و آن چیزی است که با آن وزن و سنجش انجام گیرد.^{۱۶}

بدون شک ارزش همه‌ی اعمال نیک و صالح یکسان نیست. به همین جهت در روایات زیاد اسلامی روی پاره‌ای از اعمال خیر، تکیه‌ی بیش‌تری شده است، و آن‌ها را اسباب سنگینی میزان و ترازوی عمل در قیامت شمرده‌اند.

تعبیر به (عیشه راضیه) تعبیر بسیار جالب و رسایی است از زندگی پر نعمت و سراسر آرامش بهشتیان در قیامت. این زندگی آن قدر رضایت‌بخش است که گویی خودش راضی است، یعنی به جای این که (مرضیه) گفته شود، برای تأکید هر چه بیش‌تر به جای اسم مفعول، اسم فاعل به کار رفته است. تنها زندگی آخرت است که سراسر خشنودی و آرامش و امنیت و مایه‌ی جمعیت خاطر است.^{۱۷}

منظور از میزان چیست؟

شیخ مفید می‌گوید: میزان عبارت است از تعدیل میان اعمال و آن چه که در برابر آن استحقاق خواهد یافت، و کسانی که این تعدیل را انجام خواهند داد، مباشران حساب از امامان آل محمد ﷺ هستند.^{۱۸} ملاصدرا در بحث مفصلی درباره میزان، آن را به پنج قسم تقسیم می‌کند، و سپس می‌گوید: و اما میزان اعمال، بدان که هر عملی از اعمال بدنی تأثیری در نفس دارد. پس اگر از قبیل حسنات و طاعات باشد، مانند نماز و روزه در نورانی شدن نفس و رهایی آن از اسارت شهوات و پاکی آن از تاریکی‌های ماده و جذب آن از دنیا به آخرت و از منزل پست به محل بالا تأثیر می‌کند.^{۱۹}

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ بِالْقِسْطِ﴾^{۲۰} می‌فرماید:

«هُمْ الْأَنْبِيَاءُ وَالْأَوْصِيَاءُ»^{۲۱}

وسيله‌ی سنجش اعمال، پیامبران و اوصیای آنان است.

در این صورت اعمال هر امتی بر انبیا و اوصیای آن امت عرضه می‌شود، و از طریق تطابق و عدم تطابق، سرنوشت انسان و اعمال او به دست می‌آید.

عوامل سنگین کننده‌ی میزان

برخی اعمال وجود دارد که ترازوی عمل انسان را سنگین می‌کند و دارای اجر و پاداش فراوانی است؛ از جمله: صلوات بر محمد و آل محمد علیهم‌السلام،^{۲۲} شهادتین،^{۲۳} حسن خلق،^{۲۴} اخلاص و رضای خدا،^{۲۵} ریختن خاک در میان قبر مؤمن،^{۲۶} تهمت دیگران،^{۲۷} ولایت و محبت محمد و آلش علیهم‌السلام،^{۲۸} حب و عشق علی علیه‌السلام،^{۲۹} زیارت مرقد امام رضا علیه‌السلام،^{۳۰} فرزندان از دنیا رفته.^{۳۱}

بهشت و جهنم

﴿وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَةٌ نَارُ حَامِيَةٍ﴾^{۳۲}

«و اما آن کس که ترازویش سبک باشد* پناهگاهش هاویه (دوزخ) است* و چه می‌دانی هاویه چیست؟* آتشی سوزاننده».

نکته‌ای که در این آیه قابل اشاره است، این است که اگر کسی ترازوی عملش سبک و خفیف باشد، جایگاهش دوزخ است که از آن به عنوان هاویه نام برده شده است.

تعبیر «ام» در جمله‌ی «فامه هاویه» به خاطر این است که «ام» به معنای «مادر» است، و می‌دانیم مادر پناهگاهی است برای فرزندان، و در این جا اشاره به این است که گنهکاران خفیف المیزان، محلی برای پناه گرفتن جز دوزخ نمی‌یابند.^{۳۳}

ظاهراً مراد از هاویه جهنم است، و نام‌گذاری جهنم به هاویه از این جهت می‌باشد که این کلمه از ماده‌ی «هوی» گرفته شده، که به معنای سقوط است.^{۳۴}

جمله‌ی ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَةٌ﴾ تعظیم و بزرگداشت امر آن آتشی است که خداوند اراده کرده برای افرادی که خفیف المیزان هستند و «ها» در «هیه» برای وقف است. سپس آن را تفسیر کرده به ﴿نَارُ حَامِيَةٍ﴾.^{۳۵}

عوامل ورود به بهشت

تقوا، ایمان و عمل صالح، اطاعت خدا و رسول، تولی و تبری، تزکیه و خودسازی، احسان و نیکوکاری، تحجد و شکیبایی در راه خدا، اهتمام به نماز، استقامت و پایداری، ترک هواپرستی، صدق و راستی.^{۳۶}

نعمت‌ها و لذت‌های جسمی و روحانی بهشتیان

باغ‌های بهشتی، سایه‌های بهشتی، مسکن بهشتی، فرش و تخت‌های بهشتی، شراب‌های بهشتی، ظروف بهشتی، لباس‌های بهشتی، زینت‌های بهشتی، همسران بهشتی، خادمان و ساقیان بهشتی.^{۳۷}

عوامل ورود به جهنم

کفر و نفاق، ممانعت مردم از راه یافتن به حق، ترک اطاعت خدا و ممانعت عمومی، استهزاء آیات الهی.^{۳۸}

عذاب‌های روحانی و جسمانی جهنمیان

شدید بودن عذاب‌های جهنم، غذاها و نوشیدنی‌های مرگبار، نوع لباس که (قطران) و از آتش است، بادهای کشنده و سوزان جهنم، زندان‌های انفرادی جهنم.^{۳۹}

نتیجه گیری

سوره‌ی مبارکه‌ی القارعه یک غرض اصلی را دنبال می‌کند: «بحث قیامت و رویدادهای آن»، و برای تبیین این مهم، یازده آیه گرد هم آمده است و از اتحاد مجموعه‌ای از آیات که با هم تناسب ظاهری و معنایی دارند، دسته‌هایی به وجود آمده که هر کدام از دسته‌ها یک پیام را دنبال می‌کند، و از تناسب چند دسته با هم متوجه می‌شویم که این دسته‌ها ساختار محور اساسی سوره را تشکیل داده‌اند، و با سه محور اساسی به غرض اصلی می‌رسیم:

۱. محور اول: به مسئله‌ی قیامت در یک نگاه کلی و اوصاف و نشانه‌ها و رویدادهای آن اشاره می‌کند.
۲. محور دوم به موضوع میزان، تعریف و تبیین آن از دیدگاه قرآن و متکلمان و روایات، و در آخر این قسمت به بحث سبکی و سنگینی میزان و جزا و پاداش هر گروه پرداخته است.
۳. محور سوم درباره‌ی بهشتیان و جهنمیان، و عوامل ورود به آن به طور مختصر و متناسب با آیات می‌پردازیم.

پیشنهادات

۱. این اثر به خاطر رعایت قوانین تدوین تحقیق پایانی، کمی مفصل و تخصصی می‌باشد. بهتر است نمای کلی سوره در بیانی روان و موجز گردآوری شود؛ به طوری که مخاطب عموم، مخصوصاً نسل جوان بتواند به راحتی به همه‌ی محورهای بحث اشراف داشته باشد.
۲. برگزاری کارگاه‌های آشنایی با تفاسیر، و تلاش بیش‌تر در جهت کاربردی کردن مهارت‌هایی که در سطح دو کسب کرده‌ایم، می‌تواند درک قرآن را آسان‌تر کند. مثلاً پس از بررسی متون در خصوص هر سوره، بروشوری از ساختار آن را ترسیم کنیم.

- ^۱ جعفر، شیخ الاسلامی، آشنایی با سوره‌های قرآن، تهران، انتشارات راسخون، ۱۳۷۷، ص ۱۳۱.
- ^۲ محمد بن علی، ابن بابویه، فقه الرضا (علیه السلام) / ترجمه‌ی ثواب الاعمال، تهران، ناشر کتابفروشی صدوق، ۱۳۸۰، ص ۱۱۲.
- ^۳ هاشم، بحرانی، تفسیر البرهان، رضا ناظمیان / علی گنجیان / صادق خورشید، کتاب صبح با همکاری نهاد کتابخانه‌های عمومی سراسر کشور، ج ۵، ص ۷۳۹.
- ^۴ محمد رضا، کریمی، درمان با قرآن، تهران، انتشارات گویا، ۱۳۹۱، ص ۱۶۰.
- ^۵ قارعه: ۱ - ۳.
- ^۶ قرآن کریم، ترجمه‌ی ناصر مکارم شیرازی، قم، نگین، ۱۳۹۲.
- ^۷ محمد حسین، طباطبایی، المیزان، مترجم: محمد باقر موسوی همدانی، تهران، انتشارات بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۲۰، ص ۵۹۴.
- ^۸ جعفر، سیحانی، معادشناسی، مترجم: علی شیروانی، قم، انتشارات دارالفکر، ۱۳۸۵، ص ۸۴.
- ^۹ قارعه: ۴ - ۵.
- ^{۱۰} ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲۷، ص ۲۶۲.
- ^{۱۱} علی اکبر، قرشی، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۴۱۸.
- ^{۱۲} سید عبدالحسین، تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۸۷، ج ۱۴، ص ۲۱۰.
- ^{۱۳} محمود، طالقانی، پرتویی از قرآن، قم، انتشارات اسلامیه، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۱۸.
- ^{۱۴} قارعه: ۶ - ۷.
- ^{۱۵} علی اکبر، قرشی، قاموس قرآن، ج ۱، ص ۲۰۷.
- ^{۱۶} همان، ج ۷، ص ۲۰۸.
- ^{۱۷} ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۲۶۷.
- ^{۱۸} محمد بن محمد، مفید، اوائل المقالات، قم، العالم العلمیه، ۱۳۷۱، ص ۷۹.
- ^{۱۹} محمد بن ابراهیم، صدرالدین شیرازی، الاسفار الاربعه، ج ۹، ص ۳۰۰.
- ^{۲۰} انبیا: ۴۷. «و روز رستاخیز ترازوهای عدالت را بر پا می‌داریم».
- ^{۲۱} محمد باقر، مجلسی، بحارالانوار، انتشارات کتابخانه مسجد ولی عصر (علیه السلام)، ج ۷، باب ۱۰، روایت ۶.
- ^{۲۲} همان، ج ۹۴، ص ۵۶، حدیث ۳۱.
- ^{۲۳} سید رضی، نهج البلاغه، مترجم: محمد دشتی، مجتمع فرهنگی - تحقیقاتی امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ۱۳۸۳.
- ^{۲۴} محمد، ترمذی، سنن ترمذی، بیروت، دار الرأع العربی، ۱۴۰ هـ، خطبه ۱۱۴.
- ^{۲۵} اسماعیل بن مصطفی، حقی، روح البیان، بیروت، دارالفکر، ق ۱۲ میلادی، ج ۵، ص ۴۸۶.
- ^{۲۶} عبد علی، عروسی حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۵۹، حدیث ۱۲.
- ^{۲۷} محمد بن علی، کراضی، کنز العمال، قم، دار الذخایر، ۱۳۷۹، حدیث ۳۹۰۲۴.
- ^{۲۸} محمد باقر، مجلسی، بحارالانوار، ج ۵، ص ۲۴۸.
- ^{۲۹} همان، ج ۷، ص ۲۴۷.
- ^{۳۰} محمد باقر، مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۳۲.
- ^{۳۱} همان، ج ۷، ص ۲۹۱.
- ^{۳۲} القارعه: ۸ - ۱۱.
- ^{۳۳} ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۲۶۱.
- ^{۳۴} محمد حسین، طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۵۹۷.
- ^{۳۵} فضل بن حسن، طبرسی، مجمع البیان، ج ۲۷، ص ۲۴۸.

^{۳۶} قرآن کریم، آیات: آل عمران: ۱۳۶؛ نساء: ۸۰؛ مجادله: ۲۲؛ شمس: ۱۰-۹؛ زمر: ۱۰؛ معارج: ۳۵-۳۴؛ نازعات: ۴۱-۴۰؛ بقره:

۱۷۷.

^{۳۷} رقیه، تقی زاده، بهشتیان و جهنمیان در آیات و روایات، انتشارات راسخ، ۱۳۹۱، صص ۴۵-۴۰.

^{۳۸} همان، ص ۱۱۵.

^{۳۹} همان، صص ۱۳۶-۱۴۰.